

• عباس عبدالله پور*

• کتاب شناسی گزینشی

سبک زندگی اسلامی

مقدمه

پیشینه نگارش در سبک زندگی اسلامی را، به معنای عام آن، می توان در آثاری که در بیان سیره نبی مکرم اسلام (ص) و معصومان(ع)، تألیف یافته است، پی جست .

کتاب المعیشتة فروع کافی، شیخ کلینی، و ابواب احکام العشرة فی السفر و الحضر از کتاب حج و سائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، در شمار مهم ترین کتابهای سامان یافته در سبک زندگی اسلامی است .

شماری از دانشوران در روزگار ما نیز، تألیف و تدوین آثار را با گرایش و رویکرد یاد شده، یعنی عامّ، همچنان دنبال می کنند و به نگارش کتابهای: سنن النبی، سیره النبی و سیره معصومین اهتمام دارند .

ایشان، با هدف معرفی و ارائه الگوهای شایسته گفتاری و رفتاری و ترغیب مسلمانان و مؤمنان به پیروی از اسوه های حسنه، می کوشند تا اصول حاکم بر گفتار و رفتار معصومان(ع) را تبیین کنند .

* پژوهش گر و مدرس حوزه علمیه مشهد .



البته نگارشهای فراهم آمده، در حوزه سبک زندگی اسلامی به معنای عام، از تنوعی در عناوین برخوردارند، عناوینی مانند: آیین زندگی، آیین معاشرت، آداب زندگی، آداب معاشرت، اخلاق معاشرت، اخلاق و معاشرت در اسلام و

از سویی دیگر، اگرچه پاره‌ای از آثار با عناوین یاد شده و مانند آن تألیف نشده‌اند، اما همچنان در موضوع سبک زندگی اسلامی به معنای عام می‌گنجند. آثاری چون: این است آیین ما، محمد حسین کاشف الغطاء، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی؛ آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی، میرزا جواد آقا تهرانی؛ برنامه ایمان آورده‌ها، علی گل زاده غفوری؛ زندگی در پرتو اخلاق، ناصر مکارم شیرازی؛ بهشت خانواده، دکتر سید جواد مصطفوی؛ آیین همسررداری، ابراهیم امینی؛ اخلاق و معاشرت در اسلام، دکتر علی قائمی؛ رستگاران، محمدتقی مصباح یزدی؛ سیمای سرافرازان، محمدتقی مصباح یزدی؛ اخلاق معاشرت، جواد محدثی؛ خوبان خدا، چشم اندازی به نشانه‌های اهل سعادت، عبدالرضا جمالی و

دیگر آن‌که بررسی کتابهایی را که در موضوع سبک زندگی اسلامی از دیدگاه‌های خاص، مانند: دیدگاه امام خمینی، مقام معظم رهبری و ... تألیف شده‌اند، خود نیازمند مقال و نوشتاری دیگر می‌یابیم.

باری، اهتمام و پرداختن به موضوع سبک زندگی اسلامی، به معنای خاص آن، در سالهای اخیر و در پی عنایت ویژه مقام معظم رهبری به آن (بجنورد، پاییز ۱۳۹۱) با برگذاری همایش‌های علمی و ملی و نگارش کتابهای تخصصی استمرار یافته است. در این مدت نه چندان طولانی، پژوهش و نگارش در حوزه سبک زندگی اسلامی به معنای خاص، به ارائه آثار و تألیفاتی سودمند و راهگشا انجامیده است؛ اما همچنان به تدوین و عرضه



آثاری که مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی را در بخشهای گوناگون آن تبیین، آسیب شناسی و... کند، چشم امید گشاده‌ایم. امیدواریم که شمار کتابهای عرضه شده در این موضوع چندان فزونی یابد که به جریان یافتن گفتمان سبک زندگی اسلامی در میان ایمانیان بینجامد.

در این نوشتار، به کتاب شناسی توصیفی و گاه تحلیلی شماری از آثار فراهم آمده در موضوع سبک زندگی اسلامی می‌پردازیم. معرفی کتابها را، با توجه به اهمیت و بازتاب محتوای آنها در میان مخاطبان، به تفصیل و گاه با اجمال برگذار کرده‌ایم. نخست به معرفی دو کتاب: «الحيات» و «مفاتيح الحيات» می‌پردازیم. اگرچه این دو کتاب، به نام و عنوان سبک زندگی اسلامی نیست؛ اما محتوای آنها پیوندی آشکار با سبک زندگی اسلامی دارد. از همین رو، و نیز به دلیل اهمیت و چاپهای متعدد و شمارگان فراوان به تفصیل معرفی می‌کنیم.

الحيات، محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، قم: انتشارات

دلیل ما

این مجموعه بزرگ، از جمله آثار خواندنی درباره موضوع سبک زندگی اسلامی و زیست مسلمانی و از الگوهای عرضه عصری و تمدنی قرآن و سنت است.

مؤلفان «الحيات» کتاب خود را فراخوان و دعوتی به بازنگری عمیق و فراگیر در ابعاد هدایت اسلامی دانسته‌اند.

ایشان برآند که:

«هدایت اسلامی، شامل تربیت است و سیاست... و به خوبی

پیدا است که تربیت صحیح فردی، بدون سیاست صحیح



اجتماعی، تحقق‌پذیر نیست؛ چنان‌که سیاست صحیح اجتماعی، بدون تربیت صحیح فردی تحقق‌پذیر نه. و مقصود از سیاست، مدیریت جامع اجتماعی است که در برگیرنده همه بُعدهاست: اقتصادی، سیاسی، قضایی، اداری، فرهنگی، آموزشی، دفاعی و...»^۱

از آن‌جا که هدایت (رهنمونی به صراط مستقیم و پیمودن آن) در پیروی از دو رکن پیوسته به هم؛ یعنی «قرآن و عترت» منحصر است؛ بنابراین:

«الحيات... یک هدایت طلبی جامع از دو چشمه الهی علم و هدایت است و به تعبیر عصری: استخراج یک جهان‌بینی و جهان‌شناسی (ایدئولوژی) اسلامی است از دو رکن دین اسلام:

قرآن - حدیث به صورت مستقیم.»^۲

اهتمام مؤلفان الحیات بر آن است که به فراخور توان خود به معرفی جامع، درست اسلام و پیراسته از پیرایه‌ها، به صورت برنامه‌ای عملی و عمومی پردازند و در این باره، به قدر میسر، با الهام از تعالیم اسلامی، به قرآن کریم و حدیث شریف استناد کنند.

این امر جز با «تفقه در دین اسلام»؛ یعنی شناخت بخشهای گوناگون دین، به صورت پیوسته و در پیوند با یکدیگر و چون مجموعه‌ای یگانه، نه به صورت فصلهایی پراکنده و بخشهای جدا از هم فراهم نمی‌آید.

باری، مؤلفان کتاب الحیات در خاتمه مقدمه خود بر جلد نخست، که آن را در تابستان سال ۱۳۵۸ نگاشته‌اند، از استاد خود: شیخ مجتبی قزوینی، مؤلف کتاب «بیان الفرقان» یاد کرده‌اند.

ایشان خود را در درک حقایق، علوم و معارف الهی و اسلامی و امدار آن حکیم الهی و کتاب خود را ثمره‌ای از ثمره‌های مکتب قرآنی ناب وی دانسته‌اند.



جلد نخست الحیات، از یک مقدمه و چهار باب فراهم آمده است که هر باب خود نیز فصولی چندگانه دارد.

عناوین بابهای چهارگانه آن عبارت است از:

۱. شناخت و اصالت آن (شناخت؛ یعنی آن چه هر انسان بهره‌مند از فطرتی سلیم، آن را می‌جوید.)
 ۲. عقیده و ایمان (عقیده و ایمان به خداوند سبحان که از طریق معرفت به دست می‌آید.)
 ۳. عمل (که ره‌آورد ایمان درست است.)
 ۴. امتیازهای جهان‌بینی الهی (معرفت، ایمان و عمل به تکالیف فردی و اجتماعی از سوی انسان مؤمن جهان‌بینی‌ای برای او فراهم می‌آورد که دارای امتیازاتی است.)
- جلد دوم الحیات نیز دارای شش باب است:
۵. اصول کلی رسالت پیامبران (ایمانیان خود را به هدایت و رهنمونی پیامبران الهی نیازمند می‌دانند.)
 ۶. قرآن (معجزه و کتاب آخرین پیامبر الهی که در آن، هر چه در تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان دخالت دارد، فراهم آمده است.)
 ۷. رهبران راستین (امامان معصوم (ع) در هدایت مؤمنان نقشی شایسته دارند.)
 ۸. عالمان دین (سلسله رهبران راستین در روزگار غیبت معصوم (ع) به عالمان ربّانی دین می‌رسد.)
 ۹. ولایت و حکومت (تحقق آرمانهای جامعه دینی در گرو در اختیار داشتن ابزار و قدرت اجرایی است.)
 ۱۰. تکالیف و مسؤولیتهای حاکم اسلامی



باب یازدهم و دوازدهم الحیات، با عناوین: مدخلی بر خطوط کلی بحث اقتصاد اسلامی، مدخلی بر اصول کلی بحث اقتصاد اسلامی در جلدهای سوم، چهارم، پنجم و ششم آن آمده است.

و اما:

«درباره دوره دوم الحیات، جلد هفتم تا دوازدهم، یادآوری این نکته لازم است که این دوره ویژه انسان است؛ اگرچه همه مجلّات الحیات چنین روشی را برگزیده است؛ لیکن این جلدها ویژگی بیش تری به انسان و مسائل انسانی دارد و احوال انسان، جامعه انسانی، تربیت، اخلاق، خانواده، سیر و سلوک شرعی و اصول ریاضت و تربیت نفس و سرانجام مقام عرفانی انسان را ارزیابی می کند و در پرتو تعالیم وحی نامه قرآن کریم و تعالیم پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و با استناد به متون اصلی، حقایق جاودانی را در دسترس قرار می دهد.»^۳

یادآور می شویم که آخرین جلد انتشار یافته از کتاب الحیات، جلد یازدهم آن است که در زمستان سال ۱۳۹۳ و از سوی انتشارات دلیل ما منتشر شده است.

مفاتیح الحیاة، آیت الله جوادی آملی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ نهم، ۱۳۹۱، ۷۷۶ صفحه.

این کتاب نخستین بار بهار ۱۳۹۱ چاپ شده است، و ویراست دوم آن در زمستان ۱۳۹۳ به چاپ یکصد و هفتاد و پنجم رسیده است.

استاد جوادی آملی، با اشرافی کم نظیر بر منابع و حیانی و بهره وری از کتاب، سنت و عقل برهانی و به مدد ژرف اندیشی ویژه خود بر آن شد که:

«همان طور که بزرگ محدّث روزگار ما، جناب حاج شیخ



عبّاس قمی، با اثر ماندگار و سودمندش؛ یعنی مفاتیح الجنان راه سلوک بندگان و ارتباط انسان با خدا را از طریق انجام دادن اعمال عبادی، در سه بخش: نماز، دعا و زیارات و بهره‌مندی از ثواب و پاداش آنها هموار کرد، کتاب دیگر لازم است که جلد دوم و کامل‌کننده آن باشد و شؤون دنیایی، بویژه امور اجتماعی بندگان را نیز با همان رویکرد، با آموزه‌های و حیانی مرتبط سازد تا آدمی در زندگی خود از این برنامه‌های الهی بهره‌مند گردد و از آثار آن، هم در دنیا و هم در عقبی، سود ببرد.

از این رو، این کتاب، مفاتیح الحیات نام یافت. ^۴

این اثر را اصولی پانزده‌گانه سامان می‌بخشند که استاد جوادی آملی پاره‌ای از آن اصول را در مقدمه کتاب بیان کرده است.

وی در اصل هشتم، چنین نگاشته است:

«اسلام، که جهان شمولی خود را با دو اصل کلیت و دوام؛ یعنی همگانی و همیشگی بودن خویش اعلام داشت، کیفیت تعامل صحیح بشر با یکدیگر و نیز با زمان و زمین و سپهر، همانند چگونگی رفتار و گفتار و کردار با ساحت فراطبیعت را به خوبی بیان کرده است. ^۵»

در جهان انسان متمدن، که تمدن‌اش در آینه تدین ظهور دارد، و در مرحله چهارم سلوک حق مدار خود در مسیر *إلی الله*؛ یعنی «سفر من الخلق إلى الخلق بالحق»، هیچ موجودی مرده و بی روح نیست.

«بنابراین پیام کتاب مفاتیح الحیات تنها گشودن راه زندگی متمدنانه و تمدنانه بشر نیست؛ بلکه باز کردن راز مهر شده کیفیت زندگی هر چیزی است که از هستی سهمی دارد. ^۶»



این کتاب، در بخش‌های پنج‌گانه خود، که هر کدام فصولی چندگانه دارند، به تعامل انسان با: خود، هم‌نوعان، نظام اسلامی، حیوان و خلقت زیست محیطی می‌پردازد و با خاتمه فرجام می‌یابد.

سامان دهی کتاب «مفاتیح الحیات»، چنان‌که ناشر آن در مقدمه بازگفته است، در همه مراحل و فرآیندهای فراهم آمدن آن؛ یعنی طرح، تخریح آیات و روایات، تحقیق و تنظیم، رفع شُبُهات و جمع میان روایات متعارض و بازخوانی نهایی متن، با «هدایت و اشراف» استاد جوادی آملی بوده است. همه این اثر، پس از تکمیل متن، به رؤیت و قراءت مؤلف رسیده و وی نکته‌های لازم را نیز بر آن افزوده است.

از آن‌جا که این کتاب مشحون از احادیث نبوی (ص) و روایات معصومان (ع) است؛ اما تبیین این امر، با همه اهمیت، جایی در میان اصول پانزده‌گانه استاد جوادی آملی پیدا نکرده است.

استاد جوادی آملی، در اصول پانزده‌گانه کتاب خود، از مبانی و ملاک‌های حجّیت و اعتبار احادیث و روایات نقل شده، سخنی نگفته است؛ اگرچه در سخن ناشر آمده است:

«اغلب روایات این اثر معتبرند و برخی از آنها بر مبنای تسامح در ادله سنن مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ در همان حال از آوردن نقلیهایی که با اصول عقلی و نقلی معارف اسلامی هماهنگ نیست، پرهیز شده است.»^۷

درنگ دیگر آن‌که، کتاب در زمینه کاوش‌های فقه الحدیثی و نقد حدیث و زان شایسته‌ای ندارد.

برطرف کردن ابهام‌های موجود در روایات نقل شده، به دست دادن مدالیل تفصیلی روایات (فقه الحدیث) و اهتمام به پالایش روایات موجود در باب، با نقد روایاتی که به اضطراب و رکاکت (معیارهای نقد درونی متن) مبتلا هستند،



یا به مخالفت با قرآن، سنت قطعی و عقل (معیارهای نقد بیرونی متن)، بر اعتبار علمی این کتاب خواهد افزود.

در خاتمه کتاب، از سنتهای: نوروز، چهارشنبه سوری، شب یلدا و فال یاد شده است. چون این موضوعات روزآمد و ناظر به فرهنگ ایرانی است و اکنون نیز در جامعه ما رواج دارد، به دیدگاه‌های کتاب یاد شده توجهی افزون‌تر می‌کنیم.

استاد جوادی آملی، با صرف نظر از بررسی سند روایات مربوط به نوروز، بر آن است که:

«به نظر می‌رسد رد و تأیید [نوروز] در... روایات به لحاظ رسمهای ناپسند و پسندیده نوروز باشد؛ یعنی روایت نفی درباره سنتهای نادرست آن باشد و روایت تأیید، سنتهای خوب آن را تأیید می‌کند.»^۸

و البته این احتمال را بیان کرده است که:

«روایت تأیید... به جهت نزدیک بودن این روز با حادثه غدیر و ولایت حضرت امیرمؤمنان، سلام الله علیه، باشد؛ چرا که بر اساس برخی محاسبات ریاضی و نجومی، جریان غدیر در سال دهم هجرت در روز ۲۷ اسفند ماه بوده است. پیامبر اکرم (ص) نیز تا سه روز جهت بیعت گرفتن در سرزمین غدیر درنگ فرمودند. پس نوروز سال دهم هجری، همزمان با غدیر بود.»^۹

مؤلف درباره چهارشنبه سوری، بر این نظر است که:

«در هیچ یک از متون باقی مانده پیش از اسلام، اشاره‌ای به جشن چهارشنبه سوری نشده است. در اوستا، کتیبه‌های عیلامی،



هخامنشی، اشکانی و ساسانی و نیز در متون پهلوی و حتی در روایت‌های مورخان یونانی دربارهٔ ایران و جشن چهارشنبه سوری نیز مستند و سخنی در دست نیست... نخستین و کهن‌ترین کتابی که در آن به آتش افروزی [ایرانیان] در جشن چهارشنبه سوری اشاره شده، کتاب تاریخ بخارا [مزارات بخارا] نگاشته ابوبکر محمد بن جعفر نَرَشَخی (م: ۳۵۸ ق) است.

در این کتاب، که به نام مزارات بخارا نیز شناخته می‌شود آمده است که وقتی امیر منصور بن نوح سامانی، در ماه شوال ۳۵۰ قمری به ملک نشست، دستور داد که هنوز سال تمام نشده، در شب چهارشنبه چنانکه عادت قدیم است، آتش عظیم برافروختند. «^{۱۰}

استاد جوادی آملی، بر این نظر است که:

«آتش افروختن، جستن از روی آن، شادی کردن کنار آن، ترقه زدن و منفجر کردن مواد منفجره در چهارشنبه آخر سال، نه برهان عقلی دارد، نه دلیل نقلی و نه منفعت ملی و جز خرافه و در مواردی زیان باری غیرقابل جبران، چیز دیگری نیست... [و نیز] «سنت سیئه و ظلم به فرهنگ مردم بزرگ ایران است و نه تنها مبنای عقلی و نقلی ندارد؛ بلکه برخلاف نظم و امنیت و آسایش افراد و هم‌نوعان است و آزادی آنان را سلب می‌کند و آسیب‌ها و تلفات فراوان در پی دارد. «^{۱۱}

استاد دربارهٔ واژه «یلدا» ابتدا، به ریشه یابی می‌پردازد و آن گاه از سنتها و آداب آن شب سخن می‌گوید و این که مناسب است چگونه این شب سپری شود. در باب واژه یلدا، با استفاده از لغت نامه دهخدا می‌نویسد:



«این واژه، سریانی و به معنای میلاد است و چون شب یلدا را با تولد حضرت مسیح (ع) تطبیق می‌کردند، آن را به این نام خوانده‌اند. چون ایرانیان این شب را، شب تولد میترا (مهر) می‌دانسته‌اند، آن را با تلفظ سریانی اش پذیرفته‌اند. و در واقع یلدا با نوئل (noel) اروپایی که در ۲۵ دسامبر، تثبیت شده، معادل است، بنابراین نوئل اروپایی همان شب یلدا، یا شب چله ایرانی است.»

در شب یلدا، که از آداب و سنت‌های آن شب نشینی، دیدار با خویشان و دوستان، قصه‌گویی پیرترها، رفتن به خانه بزرگ‌ترها، خواندن اشعار شاعرانی چون حافظ و فردوسی و فال زدن به دیوان حافظ و... است، «مناسب است مؤمنان در چنین فرصتهایی با زوایای زندگی و سیره معصومان، سلام الله علیهم، در جهت رشد و کمال علمی و معنوی آشنا شوند.»^{۱۲}

فال، یکی از سنت‌های مرسوم و به معنای اطلاع دادن از آینده و آگاهی از حوادث خوب یا بد از راه شنیده‌ها و دیده‌هاست. استاد می‌نویسد:

«آنچه امروز درباره فال و فالگیری مرسوم است، یک نوع تبؤ و تکهن (پیش‌گویی، غیب‌گویی) است که در اسلام برای افراد عادی ممنوع و حرام است و پذیرفتنی نیست؛ ولی تفأل (فال نیک گرفتن) در برابر تطییر (فال بد زدن) در اسلام پذیرفته شده است.» درباره پیامبر خدا (ص) نقل شده است که:

«... آن حضرت برخی امور را به فال نیک می‌گرفت؛ از جمله در واقعه حدیبیه، نام سهیل بن عمرو را که شنید، به تناسب هم

خانواده بودن دو واژه سهیل و سهل (آسان) آن را به فال نیک گرفت و به صلح حدیبیه انجامید و واقعه، فرجام نیک یافت. «۱۳

مهارت‌های زندگی از منظر اسلام (با رویکرد خانواده)، علی قائمی، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۹۳، ۲۶۴ صفحه.

در این اثر، سخن از مهارت‌های زندگی از دیدگاه اسلام و از نگاه صاحب نظران غیر مسلمان، با تأکید بر حقوق خانواده است.

مهارت:

«ورزیدگی در یک کار و عمل است و مفهوم ورزیدگی این است که فردی، رفتار، کردار و یا گفتار خود را تندتر و با اشتباه کم‌تر انجام دهد. «۱۴

و زندگی:

«عبارت است از مجموعه حالات، حرکات، اتخاذ مواضع، گفتار و کردار اندیشیده‌ای که آدمی در گذران اوقات روزانه، ماهانه و سالانه‌اش از خود بروز می‌دهد و برای هر یک از موارد فوق، هدف، برنامه و راه و روشی وجود دارد که برای افراد مختلف در سنین و شرایط گوناگون، متفاوت است. «۱۵

کتاب مهارت‌های زندگی از منظر اسلام در هفت بخش فراهم آمده است: بخش نخست آن، که مفاهیم لغات و بررسیها نام دارد، دارای چهار فصل است: کلید واژه‌ها، نظرات درباره زندگی، در چرایی نظر اسلام [درباره زندگی] و ضرورت مهارت داری در آن.

در بخش دوم، دین و منافع آن، در دوازده فصل، بررسی می‌شود: دین و کارکرد آن، مباحث و موضوعات دین، منابع دین، شروط دینداری موفق،



مباحث دین در رابطه با جنبه‌های جسمانی، غریزی، ذهنی، عاطفی، روانی، بُعد عالی رشد، معنوی (رابطه خدا و پدیده‌ها) و مهارت داری در رابطه با خدا.

در بخش سوم کتاب، عنوان مهارت‌ها در جنبه جمعی حیات، در فصولی چهارگانه: مهارت‌های اجتماعی در جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بیان شده است.

در بخش چهارم کتاب، از رابطه دین با اخلاق و حقوق، سخن به میان آمده است.

در فصولی سه‌گانه نخست، رابطه دین با اخلاق، رابطه دین با حقوق، بحث شده و در فصل پایانی این بخش، پاره‌ای از ضمانت‌های اجرایی اسلام، در قوانین و مقررات جامعه، بازگو شده است.

در این بررسی، آگاهی از فواید قوانین و مقررات، ایمان، ملاحظات دینی، ملاحظات اجتماعی، دلگرمی یا ایمان و اعتقاد به وعده‌های الهی، بهره‌مندی از وجدانی زنده و بیدار، برخورداری از فطرت الهی پاک و بیدار، از ضمانت‌های اجرایی قوانین و مقررات در جامعه به شمار آمده است.

در بخش پنجم کتاب، نقش دین در روابط زوجین بازتاب یافته است. در فصول پنج‌گانه این بخش، از تعریف خانواده و اهمیت آن، مقاصد و شرایط تشکیل خانواده، حقوق مشترک زوجین، مطالبات زنان و حقوق شوهران، به شرح، سخن گفته شده است.

و در بخش ششم، حقوق و رعایت‌ها، در سه فصل: حقوق فرزندان، حقوق والدین و پاره‌ای از رعایت‌ها.

باری، بخش پایانی کتاب؛ یعنی بخش هفتم آن، که تداوم حیات خانواده و فرجام آن نام دارد، به آسیب‌شناسی خانواده، عوامل تداوم آن و مسأله

جدایی و طلاق اختصاص دارد.

بخشی از عوامل مهم تر در تداوم خانواده از نگاه نویسنده، عبارت است

از:

ایمان داری، اخلاق، فضای امن (فضایی پاک و سالم و دعوت کننده به سلامت و شرافت)، دلجویی و همدردی، قدردانی و تشکر، سازگاری با خویشان، فراهم سازی موجبات لذت، آسایش و سرور، تحمل یکدیگر، امانت داری، پرهیز از توقعات بسیار، اعلام جنبه های اخلاقی به زبان و عمل، تهیئ (آمادگی) برای زناشویی و به دست آوردن رضایت همسر در این باره، زیبایی و آراستگی، یادآوری خاطره های شیرین زندگی، اعلام خرسندی و رضایت از ازدواج، هشیاری در دوران حمل و اعلام خرسندی و سرافرازی از باردار بودن همسر، تکیه کردن بر جمال معنوی و ارتباط با خدا، مجاهده با نفس و در گذشتن از عیبهای یکدیگر و بیرون راندن کینه از دل.

نویسنده، دارای درجه دکترای علوم تربیتی از دانشگاه سوربن پاریس (فرانسه) و دانش آموخته دوره دکترای جامعه شناسی مذهبی از دانشگاه یاد شده است. وی، حدود دویست اثر تألیفی در زمینه تربیت، خانواده، اسلام شناسی و مسائل دنیای اسلام دارد که مهم ترین آنها دوره ای با عنوان اصول و مبانی نظام تربیتی اسلام در صد و سی جلد است که جلد نود و پنجم آن را در دست نگارش دارد.

کتاب مهارتهای زندگی از منظر اسلام (با رویکرد خانواده)، کتابی است خوشخوان که به اختصار، مطالب فراوانی را با خوانندگان در میان می نهد و در عین حال، راه را بر خواستاران و پی جویان تفصیل گشوده می دارد. مؤلف، به مدد برخورداری از تجارب و پیشینه پنجاه و شش سال تدریس مستمر و نگارش ده ها اثر تربیتی، با بیانی پیراسته و بهره مند از سبکی ویژه،



کتاب خود را نگاشته است.

سبک زندگی (فرهنگنامه کاربردی مهارت‌های رفتاری و اجتماعی)، دکتر محمد دشتی نیشابوری، مشهد: نشر بشکوه، چاپ اول، ۱۳۹۲، ۶۶۰ صفحه.

در این فرهنگ، مطالب بر پایه ترتیب الفبایی سامان یافته است و دیگر آن که موضوع در همه مطالب آن ملاحظه شده است. نویسنده در تعریف فرهنگ می‌نویسد:

«اندیشه‌ها، آداب، رسوم، معارف، رفتارهای پسندیده و کنش و واکنشهایی که زندگی را خوش‌تر و آرام‌تر می‌سازد و انسانها را به سوی سعادت و آسایش بیش‌تر سوق می‌دهد و آنان را شایسته گفت‌وگو و انس پایدار با معبود کریم می‌کند.»^{۱۶}

در این اثر کوشیده شده است تا مخاطبان به خواص یا عوام، محدود نشوند و همگان، به فراخور درک و دانش خود، از مطالب آن بهره‌مند گردند. این فرهنگ موضوعی، دارای ۶۰۰، مدخل در زمینه اخلاق، آداب و سنن و مهارت‌های زندگی است.

مدخلهای فرهنگ، که با «آداب معاشرت - آموزش» آغاز و با «یلدا» پایان یافته و عنوان انگلیسی هر کدام ذکر شده، بسیط و به طور غالب دو بخشی است که «یا رابطه اصلی و فرعی دارند یا یکی مصداق دیگری است و یا اگر معکوس شوند، رابطه اضافی بینشان برقرار خواهد شد.»^{۱۷}

نویسنده، انگیزه اصلی خود را در تدوین این فرهنگ، احساس عمیق نسبت به ادب و اخلاق دانسته است. وی بر این نظر است که:

«انسان قرن بیست و یکم، به فضایل اخلاقی و آداب انسانی بسیار نیازمند است... ما هم به اخلاق محتاجیم و هم به آداب و هم به



یادگیری بسیاری از مهارت‌های فردی و اجتماعی، تا بتوانیم به سوی آرمان‌های والایی که در پیش داریم، بهتر و استوارتر گام برداریم. بشر امروز به جایی رسیده است که به جای خداوند، بت‌هایی از جنس علوم زمانه را می‌پرستد... پیوسته گرفتار عقل ابزاری و منفعت‌اندیش خویش است، خود و تمدن‌اش را در تناقض‌های بی‌شماری غرق کرده و با سرعتی شگفت‌آور، هویت اصیل انسانی و فطرت پاک الهی‌اش را در معرض سخت‌ترین بیماری‌های کشنده و بی‌درمان قرار داده است. بشر متکبر امروز در هدف‌ها، انگیزه‌ها، اندیشه‌ها و روش‌ها، به کلی دیگرگون شده است، با تکیه بر پندارهای خویش می‌کوشد به عالم غیب پشت کند و سرِ ایمان و عشق برین را در پیشگاه عقل زمینی خویش بُرد و انسانیت برآمده از تلاش پیامبران و اولیای برتر خداوند را در گردابها و باتلاقی‌های پدید آمده از تمدنی کر و کور و بی‌شعور، به دست نابودی سپارد. او به خیال خام خویش می‌خواهد لباس اسطوره بر تن انسانیت پوشاند و به موزه تاریخ‌اش بسپارد. «^{۱۸}

نویسنده، توانایی‌های اخلاقی ایرانیان را بسیار اندک می‌داند و یادآور می‌شود که در این باره کارنامه خوبی ندارند.

از این روی، تاکید می‌ورزد که باید به مدد خداوند سبحان و با همت و پشتکار، بنایی نو، بنیاد نهاده شود و این کار در سه مرحله و با سه گام به انجام می‌رسد:

در گام نخست، آراسته‌سازی خود، به بهترین زیورهای عقلانی، اخلاقی و ایمانی.



در گام دوم، نهادینه سازی اصول و مهارت‌های اخلاقی در سطحی گسترده از رفتارهای فردی و اجتماعی.

«به عبارت دیگر، در مرحله دوم ما به یک جهاد عظیم ملی برای نهادینه کردن و عمومیت بخشی اصول اخلاقی و آداب اجتماعی در سراسر جامعه، بخصوص در بخش مرتبط با دولت و حکومت نیازمندیم.»^{۱۹}

و در این باره، به نقش رسانه‌ها در هدایت حرکت عمومی جامعه به سوی هدفهای برنامه‌ریزی شده توجه داده شده است:

«رسانه‌هایی که در نقد اخلاقی اصحاب قدرت از آزادی عمل شایسته‌ای برخوردار باشند؛ چرا که بد اخلاقی‌های بزرگ، که سرچشمه دیگر رذایل اند، همیشه از کانونهای دانش، قدرت و ثروت که دست توسل بر داشته‌های خویش می‌زنند، نشأت می‌گیرد.»^{۲۰}

به نظر نویسنده، پس از فراهم آمدن توفیق نسبی مطلوب در دو گام پیشین، آن‌گاه می‌توان برای ترویج فرهنگ و آداب شایسته خود، به تلاش برخاست.

نویسنده امیدوار است که جای خالی اثرش در همه کتابخانه‌ها و منازل ایرانیان فرزانه و فرهیخته پر شود و مجموعه‌ای منظم و کاربردی پدید آورد که گره گشای مسائل همه مشتاقان اخلاق، آداب و سنن و مهارت‌های زندگی باشد.

تابان تر شدن چراغ کم فروغ «ارتباط گفتاری خانواده»، با محور بحث و گفت‌وگو قرار گرفتن بخشهای بسیار این کتاب، از امیدهای دیگر مؤلف است.



دین و سبک زندگی (مطالعه موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی)، دکتر محمد سعید مهدوی کنی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ۴۷۲ صفحه.

کتاب در پی پاسخ گویی به این پرسشهاست: چگونه دین در شرایط گذار یک جامعه سنتی به جامعه ای مدرن بازتولید می شود و چگونه با تغییر شیوه های زندگی، قالبها و ابزار آن از یک سو و تحوّل یافتن روابط، نهادها و ساختهای اجتماعی از سوی دیگر، همچنان هویت دینی افراد شکل می گیرد و تداوم می یابد؟

نویسنده، گرچه به دو سویه بودن رابطه (تعامل) دین و سبک زندگی عقیده دارد؛ اما رابطه دین با سبک زندگی را پی جسته است.

در رابطه دین با سبک زندگی نیز، معنای کلی هر دو را در نظر دارد و پژوهش خود را تدوین مقدمه ای نظری، روشی و کاربردی برای طرح دیدگاه های اسلامی، در این باره می داند.

و با درخور طرح و بررسی دانستن تعامل دین با سبک زندگی در حوزه های دانشی مختلف، پژوهش خود را بر محور انسان شناسی - جامعه شناسی استوار ساخته است.

این اثر در دو بخش تدوین شده است.

بخش اول به مباحث نظری اختصاص دارد و در سه فصل ارائه شده است. در فصل اول، با نام مفهوم شناسی، در قسمت نخست آن تعریف های گوناگون دین، دسته بندی، بررسی و نقد شده است.

در قسمت دوم، تلاش شده است تا تعریفی دقیق از سبک زندگی و مؤلفه های آن، فرادید خوانندگان گذارده شود و پیوند مفهوم سبک زندگی، با مفهوم سلیقه تبیین گردد.



در فصل دوم، دیدگاه‌های محققان علوم اجتماعی، درباره سبک زندگی بیان و پیوند این دیدگاه‌ها، با مبانی فکری آنان، بازگو شده است.

در فصل سوم کتاب، به پرسشهای زیر، پاسخ داده شده است:

۱. آیا سبک زندگی هر فرد یا گروه می‌تواند متأثر از دین (یا فرهنگ دینی) یا مؤلفه‌های دینی موجود در یک فرهنگ) باشد؟

۲. دین چه تأثیری بر سبک زندگی و مؤلفه‌های آن می‌گذارد؟

۳. دین چگونه و طی چه فرآیندی بر سبک زندگی تأثیر می‌گذارد؟

۴. چگونه و با چه روشی می‌توان تأثیر گذاری دین را بر سبک زندگی

مطالعه کرد؟^{۲۱}

پاسخ پرسش نخست:

۱. مرور ادبیات رابطه دین با سبک زندگی در علوم اجتماعی نشان داد به

لحاظ تجربی سبکهای زندگی در گذشته و حال از دین تأثیر پذیرفته اند و... به

لحاظ نظری و منطقی این رابطه (تأثیر و تأثر) امکان پذیر است.^{۲۲}

«طبیعی است پاسخ این سؤال موردی است؛ به عبارتی باید

سؤال کرد این دین خاص بر این سبک [های] زندگی چه تأثیری

گذاشته است^{۲۳}؟»

و پاسخ پرسش دوم:

۲. «احتمالا کسی با این نظر مخالف نباشد که اول، جهت گیری

فرآیند اثر بخشی دین بر سبک زندگی در بالاترین سطح،

جهت دهی آن به سوی اهداف غایی دین است... و حداقل این

تأثیر تجلی وجوه یا بخشهایی از آموزه‌ها و نمادهای دینی به

عنوان مؤلفه‌های سبک زندگی است و دوم... غلبه (گفتمان یا

فرهنگ) دین معینی می‌تواند وحدت نسبی در سبکهای زندگی



یک جامعه ایجاد کند و در مقابل، تکثر آن می تواند تکثر سبکهای زندگی را باعث شود. « ۲۴

پاسخ پرسش سوم:

۳. «با مبنی قرار دادن فرآیند شکل گیری سبک زندگی، اگرچه دین در مرحله شکل دهی به تمایلات و ترجیحات مورد توجه قرار می گیرد (و این توجه هم بجاست)؛ ولی پاره ای تحقیقات و امکان سنجیها، نشان داد که دین می تواند در کلیه مراحل فرآیند شکل گیری سبک زندگی تأثیر مستقیم یا با واسطه (زمینه سازی) داشته باشد... دلیل امکان حضور دین هم روشن است؛ دین یک امر فراگیر فرهنگی - اجتماعی است و می تواند به نوعی در هر امر و فرآیند فرهنگی - اجتماعی و از جمله سبک زندگی به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیرگذار باشد. « ۲۵

پاسخ پرسش چهارم:

۴. «روش: مطالعه موردی یکی از جلسات مذهبی. اول، با استخراج آموزه های دینی مبلغ در جلسه مورد نظر. دوم، بررسی ارتباط میان آموزه های دینی مذکور با ترجیحات افراد.

سوم، کشف الگو یا سبک زندگی مشخصی متناسب با آموزه های دینی بیان شده. « ۲۶

در بخش نخست فصل سوم، با نام «رابطه دین و سبک زندگی»، نخست، پیشینه پژوهشهای سامان یافته درباره تعاملات دین و سبک زندگی مرور شده و آن گاه محدوده ای که می توان در آن، رابطه دین با سبک زندگی را مطالعه کرد،



تعیین گردیده است.

اما بخش دوم فصل سوم، با هدف کاربردی کردن مباحث نظری بخش اول، به «مطالعه موردی» اختصاص دارد.

در این مطالعه موردی، روابط آموزه‌های مذهبی شرکت‌کنندگان در یکی از جلسات مذهبی، با سبک زندگی آنان بررسی شده است.

در فصل چهارم، با ارائه تعریفی از جلسه‌های مذهبی، به ریشه و پیشینه تاریخی آنها پرداخته شده است.

و فصل پنجم کتاب، دربردارنده کلیات و مباحث زمینه‌ای مطالعه موردی است.

این کتاب با فصل ششم، که در آن رابطه آموزه‌های دینی و سبک زندگی شرکت‌کنندگان در جلسه‌های مذهبی یاد شده از راه بررسی نتایج، نتیجه‌هایی به دست آمده در قالب مصاحبه و پرسشنامه، تحلیل شده است، خاتمه یافته است.

سبک زندگی (زمینه‌های پذیرش آداب)، دکتر علی حسین زاده، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۳، ۲۸۸ صفحه.

آنچه در فصل نخست کتاب ارائه گردیده، عبارت است از: تحلیل واژگانی «ادب» تعریف آن: «کیفیت رفتار و صورت نیکوی رفتار» و فرق اخلاق و آداب:

«گزاره‌های حاکی از رفتارهای ارزشی فرازمانی و فرامکانی،

ناظر به اخلاق و گزاره‌های حاکی از رفتارهای ارزشی زمان‌مند و

مکان‌مند، ناظر به آداب هستند.»^{۲۷}

اما سبک زندگی از دیدگاه نویسنده بر «هیئت ترکیبی آداب و آداب رفتاری



برگزیده یک جامعه» اطلاق می شود:

«یعنی رفتارهای ساده و جلوه‌های ظاهری ما وقتی به صورت یک پارچه در نظر گرفته می شود، سبک زندگی ما را رقم می زند. الگوی مصرف، معاشرت، لباس پوشیدن، حرف زدن، تفریح، گذراندن اوقات فراغت، آرایش ظاهری، طرز خوراک، معماری شهر و بازار، دکوراسیون منزل و امثال آن، در یک بسته کامل از سبک زندگی ما قرار دارند. این جلوه‌های رفتاری، ظهور خارجی شخصیت ما در محیط زندگی و نشانی از عقاید، باورها، ارزشها و علاقه‌های ما هستند و ترکیب آنها شخصیت فردی و اجتماعی مان را نشان می دهد.»^{۲۸}

در تبدیل شدن مجموعه عناصر زندگی به سبک زندگی به حد نصاب انسجام رسیدن آنها و وجود همخوانی و تناسب میان آنها ملاحظه می شود؛ یعنی باید میان نظام ارتباطی با نظام معیشتی، نظام اعتقادی، نظام فرهنگی و نظام مصرف زندگی تناسب برقرار باشد.

از آن جا که بیش تر رفتارهای ارزشی پدید آورنده سبک زندگی اختیاری اند، سبک زندگی از قابلیت ایجاد و نیز تغییر برخوردار است؛ گو این که ممکن است پاره‌ای از شرایط اجتماعی حاکم، تغییر و تحول در سبک زندگی را با دشواری فراوان روبه‌رو سازد.

باری، سبک زندگی هم شخصیت فردی و هم هویت اجتماعی را فراهم می سازد.

در فصل دوم اثر، ارکان اصلی هویت اجتماعی جامعه و مایه‌های تفاوت جوامع مختلف؛ یعنی باورها، ارزشها و سبک زندگی آنها بیان می گردد.



آشکارترین لایه هویت هر جامعه، سبک زندگی و بیان گر سبک زندگی، آداب، دانسته شده است.

نویسنده، با توجه دادن به سبک زندگی جوامع اسلامی، بر این نظر است که: «بی توجهی به سبک زندگی ممکن است به باورها و ارزشهای دینی آسیب بزند. وقتی مردم نتوانند میان شیوه زندگی خود و باورها و ارزشهایشان ارتباط برقرار کنند، پس از مدتی ممکن است از باورها و ارزشهای خود دست بردارند و آنها را ناکارآمد تلقی کنند و حتی باورها و ارزشهای اسلامی را زیر سؤال ببرند و به پندار خود آنها را متعلق به گذشته و جوامع غیر پیشرفته بدانند.»^{۲۹}

و با توجه به «نقش بیانی» آداب اسلامی در سبک زندگی اسلامی، فصل دوم کتاب، به رابطه میان مسلمانی و آداب اسلامی اختصاص داده شده است. از آن جا که شیوه الگویی از اثر گذارترین شیوه تربیتی است، در این فصل، با هدف فراهم آمدن آشنایی درست با مفهوم ادب، از طریق معرفی الگوهای رفتاری شایسته، به تحلیل الگوی رفتاری پیامبران وارسته الهی: نوح(ع)، ابراهیم(ع)، موسی(ع)، عیسی(ع)، پیامبر اعظم(ص) و شماری از معصومان(ع) - امیرالمؤمنین(ع)، امام صادق(ع) - پرداخته شده است. زمینه‌های پذیرش آداب، عنوان فرعی کتاب را تشکیل می‌دهد. هم از این رو، در فصل سوم، چهارم، پنجم و ششم کتاب، به ترتیب از نقش عقل، اعتقادات، آموزش و معاشرت و همنشینی در پذیرش آداب سخن به میان آمده است.

در فصل سوم کتاب، که به «نقش عقل در پذیرش آداب» اختصاص دارد،



آمده است :

«آیین اسلام عقل و تزکیه را با یکدیگر مرتبط و تعلیم و تربیت دینی را به روحیه تعقل و استفاده مناسب از آن وابسته دانسته است .»^{۳۰}

و :

«عقل محور نیکبهاست . چنان که انسان آن را داشته و در عمل بدان پای بند باشد، دیگر خوبیها، به تبع آن پدید می آید .»^{۳۱}

در ادامه این فصل، مدارا در رفتار و معاشرت خیر، رفتارهای متواضعانه، ایمنی دیگران از شرّ، احساس خوشبختی و آرامش، از مهم ترین کارکردهای عقل در حوزه رفتار برشمرده شده است .

در فصل چهارم کتاب به «نقش اعتقادات در پذیرش آداب» پرداخته می شود . در این فصل به روشنی بیان می شود که اعتقاد به : اقسام توحید الهی در عالم هستی، جایگاه ویژه انسان در عالم خلقت، عامل خوشبختی انسان (قرب الهی)، محور بودن اعتدال در زندگی اجتماعی (دنیا نه جای خوش گذرانی و لذت جویی، بلکه مزرعه آخرت و محل آزمایش است)، رابطه میان ظاهر و باطن انسان و تأثیر و تأثر متقابل ظاهر و باطن آدمی، تأثیر وراثت و فرهنگ خانواده (تأثیر تقوا و اخلاق در اصالت خانواده)، تقدس رفتارها حتی در اوقات فراغت، بزرگ شمردن و حفظ حریم میان نامحرمان در محیط اجتماعی، محور بودن آخرت و وابسته و دل بسته دنیا نشدن در انتخاب نوع و رفتار انسان سخت تأثیر گذار است .

در فصل پنجم «نقش آموزش در پذیرش آداب» مورد بحث قرار گرفته است . پرورش انسانها در گرو تعلیم و تعلم است و تعالی علمی زمینه را برای



پذیرش آداب از سوی دانش پژوهان هموار می‌سازد.
آموزش از ضروری‌ترین عوامل ترغیب به پای‌بندی به آداب در زندگی
انسانهاست.

میان دانش و احساس مسؤولیت پیوند برقرار است و در اصل، علم
مسؤولیت آور است.

چنانچه آثار و کارکردهای التزام به آداب و رعایت آنها تبیین گردد و
حکمت آنها بیان شود، آمادگی مخاطب در پذیرش آنها افزون‌تر می‌شود.
هم از این رو، در آموزه‌های قرآن و عترت، این اسلوب در آموزش به کار
گرفته شده است.

در فصل ششم کتاب، نقش معاشرت و همنشینی در پذیرش آداب به‌بوته
بررسی گذارده شده است.

با نقش آفرینی معاشرت در زندگی، که شماری آن را از اصلی‌ترین
نیازهای روحی و روانی انسان دانسته‌اند، فضائل و رذایل نمود می‌یابند.

«بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی در فضای ارتباطات ظهور
می‌یابد؛ فضایی چون تعلیم و تعلم، عدالت و انصاف و رذایلی
چون تکبر، ریا و غیبت در فضای ارتباط با دیگران خود را نشان
می‌دهد.»^{۳۲}

بنابراین، آگاهی از آداب معاشرت در انواع آن (انسانی، آیینی، اجتماعی،
دوستانه، خانوادگی) ضروری می‌نماید.

از سوی دیگر، همنشینی نیز از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر پذیرش آداب
از دیگران، خواه در مظاهر حیات فردی و خواه در مظاهر حیات اجتماعی
است.



«همنشینی، مناسبات و روابط مستمر و شخصی میان افراد است که محصول مشابهت آنان در علایق منافع و دیدگاه‌هاست و آن را باید درباره گروه‌هایی به کار برد که به دلیل شباهتهایی به یکدیگر پیوند می‌خورند و با هم نشست و برخاست دارند.»^{۳۳}

در میزان تأثیر‌پذیری همنشینان از آداب و شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی یکدیگر، مقدار و عمق ارتباط و اختلاط و مقدار ارزشی که برای هم در نظر دارند، نقش دارند.

انسانها، از رهاورد همنشینی با نیکان و بدان، به آثار و برکات، یا پیامدهای خوب و بد دچار و از درجات بهره مند یا به درکات مبتلا می‌شوند.

از این رو، تعالیم قرآن و عترت در این باره بیانات و توصیه‌هایی دارند.

سبک زندگی و ابزار سنجش آن، دکتر محمد کاویانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۱، ۴۳۳ صفحه.

کاویانی دانش‌آموخته رشته روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه اصفهان و این کتاب پایان‌نامه دکتری وی است.

مؤلف، کتاب خود را در سه بخش تدوین کرده است.

بخش نخست کتاب که سه فصل دارد، به کلیات این پژوهش و ضرورت و اهمیت آن اختصاص دارد.

در فصل اول، مفاهیم و اصطلاحاتی، چون: سبک زندگی، آیین زندگی، کیفیت و استاندارد زندگی، سبک زندگی اسلامی و اخلاق اسلامی تعریف و تبیین شده‌اند.

همچنین در این فصل، درباره شاخصه‌های به کار رفته در آزمون سبک



زندگی اسلامی، مانند: شاخص اجتماعی، عبادی، اعتقادی، اخلاقی و... توضیح داده شده است.

اما در فصل دوم و سوم بخش اول کتاب، دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه شماری از دانشوران علوم یاد شده ارائه شده است.

در پایان بخش نخست کتاب «درخت سبک زندگی» بر پایه نظریه آلفرد آدلر ترسیم و توضیح داده شده است.

در بخش دوم کتاب، مدل «درخت سبک زندگی اسلامی» ترسیم شده است. نویسنده، به مدد آموزه‌های قرآن و روایات، کوشیده است تا مدل درخت سبک زندگی آدلر را بازسازی کند.

و برای ریشه‌ها، ساقه، شاخه‌ها و سر شاخه‌های مدل پیشنهادی خود، بر پایه دیدگاه اسلامی مفاهیمی دیگر را به کار بسته است.

در بخش سوم کتاب، به شرح، درباره ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و روش اجرا و تحلیل داده‌های آن، بحث شده است.

تعیین اهداف ساخت آزمون، خزانه پرسشها، سنجش روایی محتوایی و صوری، ساخت کلید، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری مطالبی است که در این بخش بیان شده است.

در فصل هشتم از بخش سوم کتاب، تحلیل یافته‌های پژوهشی نویسنده بازتاب یافته و به همه پرسشهای پژوهش پاسخ داده شده است.

باری، یافته‌های توصیفی و استنباطی تحقیق انجام شده نیز در نمودارها و جداول ارائه شده است.

سبک زندگی؛ نگاهی به زندگی دینی مسلمانان ایرانی، محمدرضا زائری، اصفهان: نشر آرما، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ۲۴۰ صفحه.

بیش‌تر مطالب کتاب فراهم آمده از گفت‌وگوهای نویسنده با نشریات، روزنامه‌ها، خبرگزاریها و سایتها است.

هم از این رو، بیش‌تر محتوای آن به صورت پرسش و پاسخ ارائه شده است.

نویسنده، که خود کارشناس و فعال فرهنگی است، در این اثر کوشیده است تا ساده و صمیمی با نقش آفرینان فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای درباره سبک زندگی سخن بگوید و دستمایه‌ای برای فکر کردن به بحث سبک زندگی دینی و پرداختن جدی به آن فراهم آورد.

این کتاب، پس از چند خط برای مقدمه، با مطلبی با عنوان «راهی به سوی تمدن جدید اسلامی» درباره دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب، درباره سبک زندگی آغاز می‌شود.

نویسنده تعبیر «سبک زندگی اسلامی» را تعبیری باتسامح می‌داند و در این باره می‌نویسد:

«اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، باید از تعبیر سبک زندگی مسلمانان استفاده کنیم و حتی کمی فراتر، باید بگوییم سبک‌های زندگی مسلمانان؛ چون در واقع مسلمانان هم فقط یک سبک زندگی ندارند.»^{۳۴}

ضرورت مطالعات سبک زندگی از دیدگاه زائری، فاصله افتادن میان اعضای خانواده و زیاد شدن فاصله‌های نسلی با گسترش ارتباطات و حضور رسانه‌ها است.^{۳۵}



اما نویسنده، درباره این موضوع، با همه اهمیت آن، چنین می‌اندیشد که:
 «چند وقت دیگر این موضوع از مُد می‌افتد و سراغ موضوع
 دیگری می‌رویم و دقیقاً دیدگاه‌های رهبر را با تساهل تخریب
 می‌کنیم و آن را با تعارف و رفتارهای کلیشه‌ای و شعاری از بین
 می‌بریم و تنها آن را تیتراژ نشریه‌ها و سایت‌ها قرار می‌دهیم و
 سپس فراموش می‌شوند.»^{۳۶}

سبک زندگی از نظر نویسنده:

«مجموعه ترجیحات و انتخابها و گرایشهایی که باعث می‌شود در
 زندگی ما به گونه خاصی مصرف کنیم... انتخاب ما نشان‌دهنده
 گرایشهای درونی، علاقه‌ها، سلیقه‌ها و پسندهای ما است.»^{۳۷}
 «سبک زندگی بارزترین و برجسته‌ترین جلوه فرهنگی است...
 جزئی از فرهنگ به شمار می‌رود؛ اما به علت حجم و قدرت
 حضور و تجلی‌های متعددش، بارزترین جلوه فرهنگ و به نوعی
 تجلی بیرونی هر فرهنگی نیز تلقی می‌شود.

از این رو اهمیت بسیاری دارد؛ چون در واقع نشان می‌دهد که
 چه باورها و انگیزه‌ها و عقایدی پشت سرش قرار دارد.»^{۳۸}

نویسنده، فرق میان «سبک زندگی» و «اخلاق» را نیز گوشزد کرده است:
 «تفاوت سبک زندگی با اخلاق این است که: سبک زندگی، آن
 چیزی را که موجود است، نشان می‌دهد و راجع به آن حرف
 می‌زند؛ اما اخلاق، آن چیزی است که باید و قرار است باشد.
 وقتی از سبک زندگی حرف می‌زنیم، فرض‌مان بر این است که
 اخلاق در این مخاطب مسلمان و متدین، باوری ایجاد کرده

است و او بر اساس باورش رفتار می‌کند. وقتی از سبک زندگی حرف می‌زنیم، در واقع مشغول مطالعه این رفتاریم؛ ولی این که مطلوب است آن فرد در زندگی چگونه رفتار کند، بحثی اخلاقی است. اتفاقاً یکی از خلطهایی که الآن به وجود می‌آید و زیاد هم پیش می‌آید، همین است.

در واقع تفاوت بین بحث اخلاق و سبک زندگی خیلی شفاف نیست. مثلاً می‌گوییم می‌خواهیم سبک زندگی دینی کار کنیم، سپس بلافاصله ذهن همه به سراغ کتابهای اخلاقی و کتابهایی می‌رود که دستورالعمل‌های رفتاری در آنها هست. این که خوب است چگونه باشیم، بحثی اخلاقی است. «۳۹

به نظر نویسنده، اسلامی کردن «سبک زندگی ایرانی» چندان دشوار نیست؛ چرا که:

«اساساً باورهای اسلامی در خون و گوشت مردم ایران رسوخ کرده است. طی قرن‌ها و در بسیاری از حالتها، زندگی ایرانیان بر اساس باورهای اسلامی شکل گرفته است. آنها از ابتدا زمینه پذیرش اسلام را داشته‌اند و برای همین اسلام در ایران این قدر سریع و عمیق گسترش یافته است. «۴۰

وی، درباره «نقش مذهب» نیز در سبک زندگی ما چنین می‌اندیشد: «با داشتن جامعه‌ای به شدت مذهبی، اساسی‌ترین عنصر تشکیل دهنده سبک زندگی، مذهب است. مؤلفه‌های مختلف سبک زندگی ما در بخشهای مختلف و در عرصه‌ها گوناگون، بر مبنای



باورها و اصول مذهبی شکل می‌گیرد؛ از پوشش و خوراک تا نوع روابط اجتماعی. «^{۴۱}

و بر نقش بی‌نظیر «رسانه» در آموزش مهارت‌های زندگی، سازمان‌دهی نظام فرهنگی، مقابله با تهدیدهای اجتماعی، تضعیف، یا تقویت خانواده، شکل دادن به روابط درون خانواده، تبیین یا تخریب جایگاه معلم و نقش مدرسه در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان، ترویج کتاب‌خوانی، مقابله با تحدید نسل، ترویج حجاب و عفاف و توسعه دانش و فناوری تأکید می‌کند:

«وقتی از سبک زندگی سخن می‌گوییم، باز می‌بینیم رسانه مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده سبک زندگی در دنیای امروز است.»^{۴۲}

و:

«یکی از شاخص‌های آشکار سبک زندگی، موضوع نام‌گذاری فرزندان است و همه ما اثر رسانه در این حوزه را به خوبی دیده‌ایم؛ مثلاً پس از پخش مجموعه‌ای تلویزیونی و جذاب، چگونه نامی مانند «ستایش» فراگیر می‌شود.»^{۴۳}

نویسنده این نکته را یادآور می‌شود که اسلام دین ناراحتی نیست. وی دو علت برای تلقی نادرست برخی درباره نبود شادی در سبک زندگی دینی بیان کرده است:

«دو عامل باعث می‌شود این تلقی به وجود آید که در سبک زندگی دینی، شادی و تفریح وجود ندارد.

علت اول‌اش این است که رسانه، این بخش از سبک زندگی را نشان نمی‌دهد...

علت دوم این است که ناخودآگاه قالب‌هایی از زندگی غربی را در

تفریح و نشاط و خوشی می‌بینیم؛ ولی مشابه‌اش را در زندگی خودمان جست و جو می‌کنیم که وجود ندارد. «۴۴

کتاب‌شناسی اجمالی

در بخش پایانی مقال، اطلاعات کتاب‌شناختی شماری دیگر از آثار نگاشته شده در حوزه سبک زندگی اسلامی ارائه می‌شود:

۱. چیستی سبک زندگی اسلامی، محمد کاویانی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳، ۲۱۰ صفحه.
۲. شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، آمان‌الله فصیحی، سید حسین شرف‌الدین، نصرالله نظری، محمد علی جوادی و...، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴، ۴۷۲ صفحه.
۳. سبک زندگی اسلامی، امرالله اندرزبان، قم، ابتکار دانش، ۱۳۹۳، ۲۵۵ صفحه.
۴. سبک زندگی اسلامی، محمد پورحسین تاسندهی، قم، گوهر ماندگار، ۱۳۹۳، ۲۰۶ صفحه.
۵. سبک زندگی اسلامی ایرانی، احمدحسین شریفی، آفتاب توسعه، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ۲۵۶ صفحه.
۶. سبک زندگی اسلامی ایرانی، علی عباس کمری، گلستان، نشر کیسان، ۱۳۹۳، ۳۰۶ صفحه.
۷. سبک زندگی اسلامی در عصر مدرن، سعید وطن دوست خادم‌لو، قم، دارالمبلغین، ۱۳۹۴، ۵۱۲ صفحه.
۸. سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)، حمید



فاضل قانع، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲، ۲۴۶ صفحه.

۹. سبک زندگی اسلامی از منظر اهل بیت (ع)، محمد جعفریان، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۴، ۵۰۰ صفحه.

۱۰. همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی، احمد حسین شریفی و همکاران، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱، ۳۰۴ صفحه.

۱۱. سبک زندگی اسلامی و غربی (جستار و گفتار)، مجتبی لطف علی نیا، تهران، حوزه هنری انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴، ۱۰۰ صفحه.

۱۲. امام رضا (ع) زندگی و اقتصاد، محمد حکیمی، مشهد، به نشر، ۱۳۸۱، ۱۹۰ صفحه.

۱۳. الگوی سبک زندگی ایرانیان (مجموعه مقالات)، به اهتمام: دکتر ابراهیم حاجیانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷، ۲۷۱ صفحه.

۱۴. سبک متعالی (مجموعه مقالات همایش بازجست سبک زندگی اسلامی - اقتصادی در سیره علوی)، به کوشش و مقدمه: محمد رضا فدایی، خرم آباد: دانشگاه لرستان، اسفند ۱۳۹۱.

۱۵. مجموعه مقالات (همایش ملی سبک زندگی اسلامی و جایگاه آن در عصر جهانی شدن)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ۱۳۹۳، ۴۶۷ صفحه.

۱۶. مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی حدیث رضوی ۱ (سبک زندگی دینی)، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۵۰۴ صفحه.

پی نوشتها:

۱. گزارشی درباره الحیات، جلد سوم تا ششم/۱۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۲. همان/۱۸-۱۹.
۳. الحیات، ج ۷/۴۱-۴۲.
۴. مفاتیح الحیاة/۳۷-۳۸.
۵. همان/۵۰.
۶. همان/۳۹.
۷. همان/۷۵۴-۷۵۵.
۸. همان/۷۵۵.
۹. همان/۷۵۶.
۱۰. همان/۷۵۶-۷۵۷.
۱۱. همان/۷۵۷-۷۵۸.
۱۲. همان/۷۵۸.
۱۳. مهارتهای زندگی از منظر اسلام/۲۳.
۱۴. همان/۲۴.
۱۵. سبک زندگی (فرهنگ نامه کاربردی مهارتهای رفتاری و اجتماعی) دکتر محمد دشتی نیشابوری/۱۷.
۱۶. همان/۱۸.
۱۷. همان/۸.
۱۸. همان/۱۱.
۱۹. همان.
۲۰. دین و سبک زندگی اسلامی، محمد سعید مهدوی/۱۸۸.



۲۱. همان / ۲۲۸ .
۲۲. همان .
۲۳. همان / ۲۲۹ .
۲۴. همان / ۲۳۰ .
۲۵. همان / ۲۷۰ .
۲۶. سبک زندگی (زمینه‌های پذیرش آداب) دکتر علی حسین زاده / ۱۹ .
۲۷. همان / ۲۱ .
۲۸. همان / ۲۸ .
۲۹. همان / ۶۸ .
۳۰. همان / ۷۰ .
۳۱. همان / ۱۸۶ .
۳۲. همان / ۱۹۳ .
۳۳. سبک زندگی، نگاهی به زندگی دینی مسلمانان ایران، محمدرضا زائری / ۳۰ .
۳۴. همان / ۳۱ .
۳۵. همان / ۱۲۵-۱۲۶ .
۳۶. همان / ۱۶-۱۷ .
۳۷. همان / ۱۲۱ .
۳۸. همان / ۱۹ .
۳۹. همان / ۳۱-۳۲ .
۴۰. همان / ۳۷ .
۴۱. همان / ۱۳۲ .
۴۲. همان .
۴۳. همان / ۲۰۸ .